****

**عنوان:**

**بررسی شاهنامه فردوسی**

**نام و نام خانوادگی:**

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc449136318)

[موضوع داستانهای شاهنامه 4](#_Toc449136319)

[دودمان‌های پادشاهی در شاهنامه 6](#_Toc449136320)

[پیشینۀ داستانهای شاهنامه 6](#_Toc449136321)

[شاهنامه‌های منظوم دیگر 7](#_Toc449136322)

[واژگان عربی در شاهنامه 8](#_Toc449136323)

[تدوین شاهنامه 9](#_Toc449136324)

[کتابهای نوشته ‌شده بر پایۀ شاهنامه 10](#_Toc449136325)

[فیلم‌های ساخته‌شده بر پایۀ شاهنامه 10](#_Toc449136327)

#

# مقدمه

شاهنامه، اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان، مهم‌ترین نامۀ اندیشۀ سیاسی ایران‌شهری در دورۀ اسلامی، شاهکار حماسی زبان فارسی و حماسۀ ملی ایرانیان و نیز بزرگ‌ترین سند هویت ایشان است، چنان که ضیاءالدین ابن اثیر آن را قرآن ایرانیان خوانده است.

شاهنامه اثری است منظوم در حدود پنجاه‌ هزار بیت در بحر متقارب مثمن محذوف (یا مقصور) (فعولن فعولن فعولن فعل (فعول)). سرایش آن حدود سی‌سال به طول انجامید. فردوسی خود در این باره می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| من این نامه فرخ گرفتم به فال |  | همی رنج بردم به بسیار سال |

آخرین ویرایشهای فردوسی در شاهنامه در سالهای ۴۰۰ و ۴۰۱ هجری قمری روی ‌داد.

به پیشنهاد بنیاد فردوسی «هزارۀ سرایش شاهنامه» در یونسکو بر پایۀ هجری خورشیدی به نام ایران در فهرست رویدادهای علمی، فرهنگی و هنری 2011-2010 در سی و پنجمین کنفرانس عمومی یونسکو به ثبت رسید و در تاریخ 30 مارس ۲۰۱۰ هزارمین سالگرد پایان سرایش شاهنامه به کوشش بنیاد فردوسی و از سوی ایران و سازمان یونسکو در تالار کنفرانس عمومی یونسکو با حضور نمایندگان 192 کشور عضو جشن گرفته شد.

حکیم ابولقاسم فردوسی، حماسه سرا و شاعر بزرگ ایرانی در سال 329 هجری قمری در روستایی در نزدیکی شهر طوس به دنیا آمد . طول عمر فردوسی را نزدیک به 80 سال دانسته اند، که اکنون حدود هزار سال از تاریخ درگذشت وی می گذرد.

فردوسی اوایل حیات را به کسب مقدمات علوم و ادب گذرانید و از همان جوانی شور شاعری در سر داشت . و از همان زمان برای احیای مفاخر پهلوانان و پادشاهان بزرگ ایرانی بسیار کوشید و همین طبع و ذوق شاعری و شور و دلبستگی او بر زنده کردن مفاخر ملی، باعث بوجود آمدن شاهکاری برزگ به نام «شاهنامه» شد .
شاهنامه فردوسی که نزدیک به پنجاه هزار بیت دارد، مجموعه ای از داستانهای ملی و تاریخ باستانی پادشاهان قدیم ایران و پهلوانان بزرگ سرزمین ماست که کارهای پهلوانی آنها را همراه با فتح و ظفر و مردانگی و شجاعت و دینداری توصیف می کند.

فردوسی پس از آنکه تمام وقت و همت خود را در مدت سی و پنج سال صرف ساختن چنین اثر گرانبهایی کرد ،در پایان کار آن را به سلطان محمود غزنوی که تازه به سلطنت رسیده بود، عرضه داشت، تا شاید از سلطان محمود صله و پاداشی دریافت نماید و باعث ولایت خود شود.سلطان محمود هم نخست وعده داد که شصت هزار دینار به عنوان پاداش و جایزه به فردوسی بپردازد. ولی اندکی بعد از پیمان خود برگشت و تنها شصت هزار درم یعنی یک دهم مبلغی را که وعده داده بود برای وی فرستاد.

و فردوسی از این پیمان شکنی سلطان محمود رنجیده خاطر شد و از غزنین که پایتخت غزنویان بود بیرون آمد و مدتی را در سفر بسر برد و سپس به زادگاه خود بازگشت.

علت این پیمان شکنی آن بود که فردوسی مردی موحد و پایبند مذهب تشیع بود و در شاهنامه در ستایش یزدان سخنان نغز و دلکشی سروده بود، ولی سلطان محمود پیرو مذهب تسنن بود و بعلاوه تمام شاهنامه در مفاخر ایرانیان و مذمت ترکان آن روزگار که نیاکان سلطان محمود بودند سروده شده بود.

همین امر باعث شد که وی به پیمان خود وفادار نماند اما چندی بعد سلطان محمود از کرده خود پشیمان شد و فرمان داد که همان شصت هزار دینار را به طوس ببزند و به فردوسی تقدیم کنند ولی هدیه سلطان روزی به طوس رسید که فردوسی با سر بلندی و افتخار حیات فانی را بدرود گفته بود و در گذشته بود.

و جالب این است که دختر والا همت فردوسی از پذیرفتن هدیه چادشاه خودداری نمود و آن را پس فرستاد و افتخار دیگری بر افتخارات پدر بزرگوارش افزود.

معروف ترین داستانهای شاهنامه : داستان رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، سیاوش و سودابه
زال و رودابه است.

شعری از داستان رستم و اسفندیار را با هم می خوانیم:

کنون خورد باید می خوشگوار
که می بوی مشک آید از کوهسار
هوا پر خروش و زمین پر ز جوش
خنک آنکه دل شاد دارد بنوش
همه بوستان زیر برگ گلست ،
همه کوه پر لاله و سنبل است
به پالیز بلبل بنالد همی
گل از ناله او ببالد همی.
شب تیره بلبل نخسبد همی
گل از باد و باران بجنبد همی.
من از ابر بینم همه باد و نم
نگه کن سحر گاه تا بشنوی
ز بلبل سخن گفتن پهلوی
همه نالد از مرگ اسفندیار
ندارد بجز ناله زو یادگار.

# موضوع داستانهای شاهنامه



جنگ رستم و اکوان دیو برگی از شاهنامه قرن دهم هجری قمری مکتب تبریز



نقاشی دوره قاجار از شاهنامه

شاهنامه شرح احوال، پیروزی ‌ها، شکست ها، ناکامی‌ها و دلاوری‌های ایرانیان از کهن‌ترین دوران (نخستین پادشاه جهان کیومرث) تا سرنگونی دولت ساسانی به دست تازیان است (در سده هفتم میلادی).

کشمکشهای خارجی ایرانیان با هندیان در شرق، تورانیان در شرق و شمال شرقی، رومیان در غرب و شمال غربی و تازیان در جنوب غربی است.

افزون بر سیر خطی تاریخی ماجرا در شاهنامه داستانهای مستقل پراکنده ‌ای نیز وجود دارند که مستقیماً به سیر تاریخی مربوط نمی‌شوند. از آن جمله: داستان زال و رودابه، رستم و سهراب، بیژن و منیژه، بیژن و گرازان (که بخشی از داستان بلند بیژن و منیژه است)، کرم هفتاد و جز اینها برخی از این داستانها به طور خاص چون رستم و اسفندیار و یا رستم و سهراب از شاهکارهای مسلم ادبیات جهان به شمار می‌آیند.

# دودمان‌های پادشاهی در شاهنامه

1. پیشدادیان
2. کیانیان
3. پارتیان
4. ساسانیان

# پیشینۀ داستانهای شاهنامه

باید دانست که بن‌مایه‌های داستانهای شاهنامه ساختۀ فردوسی نیست و این داستان‌ها از دیرباز در میان ایرانیان رواج داشته‌اند. مثلاً در کتابهای پهلوی مانند بندهشن، ایاتکار زریران (که مشابهت های بسیار با گشتاسب‌نامه دقیقی دارد) و دینکرد تلمیحات و اشارات بسیاری به قهرمانان و پهلوانان شاهنامه وجود دارد. هم‌چنین در اوستا خصوصا در نسک یشت‌ها اشارات فراوانی به بسیاری از شخصیتهای شاهنامه (پیشدادیان و کیانیان) شده‌است.

این موضوع در همه آثار حماسی بزرگ به چشم می‌خورد به این معنا که در آغاز (و شاید برای مدتی مدید) داستانهای حماسی در میان مردم دهان به دهان و از نسلی به نسلی سینه به سینه می‌گردد تا آن‌که شاعر توانا و با ذوق و قریحه‌ای پدیدار شده و اثری بزرگ از روی آنها می‌آفریند.

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستانها، شاهنامۀ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نامهای آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگو کردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌اله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بوده اند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچ‌کدام معاصر با حکیم توس نبوده‌اند.

نیز شایان ذکر است که کتاب بسیار بزرگی در اواخر روزگار ساسانی به نام خوتای نامگ (خدای‌نامه) تالیف شده بود که به یک معنا کتاب تاریخ رسمی شاهنشاهی به شمار می‌آمد. روزبه پسر دادوویه با کنیۀ عربی «عبداله ابن مقفع» یا همان ابن مقفع مترجم کلیله و دمنه آن را به عربی ترجمه کرد. این کتاب یکی از مآخذ تقریباً همۀ تاریخ نگاران سده‌های آغازین اسلامی به شمار می‌آمد. از خوتای نامگ در شاهنامه با نام نامۀ خسروان یاد شده‌است. «خوتای» برابر پهلوی «خدای» است که به معنی پادشاه به کار می‌رفته‌است. معنی مشابهی برای خدا هنوز هم در نامهایی چون «کدخدا» دیده می‌شود.

این نکته دارای اهمیّت است که داستانهای شاهنامه در آن دوران نه به عنوان اسطوره بلکه به عنوان واقعیّتی تاریخی تلقی می‌شدند. یعنی فردوسی تاریخ ایرانیان و حماسه‌های ملی آنان را به نظم کشید نه اسطوره‌های آنان را.

# شاهنامه‌های منظوم دیگر

فردوسی نخستین کسی نبود که به نظم حماسه‌های ملی اقدام کرد پیش از او دیگرانی نیز دست بدین کار زده بودند. از آن میان دقیقی طوسی (همشهری فردوسی) شایستۀ نامبردن است. وی شاعری خوش قریحه بود که نخست به نظم شاهنامۀ ابومنصوری اقدام کرد ولی هنوز چندی از آغاز کارش نگذشته بود که به دست یکی از بندگانش کشته شد و کار او ناتمام ماند. فردوسی در شاهنامۀ خود از دقیقی توسی به نیکی نام می‌برد و هزار بیت از سروده‌های او را در کار خود برای قدردانی می‌گنجاند. هزار بیت دقیقی مربوط به پادشاهی گشتاسب و برآمدن زرتشت است. ذبیح‌اله صفا به این هزار بیت لقب گشتاسپ‌نامه داد که خوشبختانه امروز جا افتاده و مقبول است.

شخص دیگری که پیش از آن دو به نظم حماسه‌های ملی پرداخته بود شاعری بود با نام مسعودی مروزی. متاسفانه امروز بیش از چند بیت از شاهنامۀ او در دست نیست. اما ظاهراً در زمان فردوسی شهرتی بسزا داشته است. جالب توجه است که شاهنامۀ او در بحر تقارب نیست بلکه در بحر هزج است (مفاعیلن مفاعیلن فعولن).

# واژگان عربی در شاهنامه

قول مشهور ولی نادرست میان عوام این است که در شاهنامۀ فردوسی از هیچ کلمۀ عربی ‌ای استفاده نشده ‌است. گر چه شاهنامه به فارسی سره نیست، مطالعات آماری که خالقی‌ مطلق به انجام رسانده گویای آن است که بسامد واژه‌های بیگانه در شاهنامه بیشتر از حدود پنج درصد نیست. این کسر سخت اندک است. چنان که حجم مجموع آثار فارسی ‌ای که کاربرد واژه‌های بیگانه در آنها همانند شاهنامه از حدود پنج درصد بیشتر نیست، به حجم شاهنامه نمی‌رسد.

در اینکه فردوسی واژه‌های فارسی را بر عربی ترجیح می‌داده ‌است شکی نیست. این هم خاسته از موضوع کار شاعر بود و هم اینکه زمانۀ فردوسی مناسب آن بود. به بیان دقیق‌تر بیشتر منابعی که فردوسی از آنها بهره می‌برد خود در کاربرد واژه‌های عربی خودداری می‌کردند. نگاهی گذرا به مقدمۀ شاهنامۀ ابومنصوری گویای آن است. از سوی دیگر در مواردی که منابع فردوسی خود نا اصیل بوده‌اند و واژه‌های عربی در آنها به وفور یافت می‌شد، کلمه‌های عربی در شاهنامه هم فزونی می‌گیرند. نمونۀ بارز آن اسکندرنامه است که در اصل روایتی غیر ایرانی است و کلمه‌های عربی در آن بسیار بیشتر به نسبت سایر قطعات شاهنامه یافت می‌شود.

برخی تعداد واژگان عربی دخیل در شاهنامه را ۸۶۵ واژه می‌دانند. صافی، صباح، صبح، صبر، صبوح، صحاب، صحرا، صدف، صدا، صعب، صف، صفت، صل(به کسر اول)، صلاب و... نمونه ‌ای از این واژگان که تنها از نوع کلمه‌های با ابتدای حرف صاد است.

# تدوین شاهنامه

فردوسی، شاهنامه را دو بار تدوین کرده‌است. نخستین تدوین شاهنامه در دورۀ نوح دوم پسر منصور هم‌زمان با ضعف دولت سامانی که نشانه‌هایی از زوال آن دولت پدیدار بود در ۲۵ اسفند سال ۳۸۴ در ۵۵ سالگی شاعر تا این بیتها به انجام رسید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سر آمد کنون قصۀ یزدگرد |  | به ماه سفندارمذ روز ارد |
| ز هجرت سه‌صد سال و هشتادوچار |  | به نام جهان داور کردگار |

با توجه به تولد فردوسی در سال ۳۲۹ ه‍.ق او در سال ۳۸۴ ه‍.ق ۵۵ سال داشته است. با این همه از اشارات شاعر به ۶۰ و ۶۱ و ۶۳ سالگی خود در بخش ساسانیان برمی‌آید که بعدها هم در تهذیب و تکمیل آن می‌کوشید. شاهنامه‌ای که فردوسی به مدت شش سال از ۶۵ سالگی کوشیده بود که آن را به صورتی باب طبع محمود درآورد سرانجام در ۷۱ سالگی او آماده شد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چو سال اندر آمد به هفتادویک |  | همی زیر بیت اندر آرم فلک |

آن گاه شاعر تاریخ این رویداد را سال ۴۰۰ هجری ذکر می‌کند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ز هجرت شده پنج هشتاد  |  | به نام جهان داور کردگار |

# کتابهای نوشته ‌شده بر پایۀ شاهنامه

* از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستانهای شاهنامه)، نوشتۀ قدمعلی سرامی
* پارسیان و من ( در سه جلد: کاخ اژدها؛ راز کوه پرنده؛ رستاخیز فرا می‌رسد.) نوشتۀ آرمان آرین
* هفت‌خوان رستم (در چهار جلد: تلسم پادشاه؛ جادوی دیو سپید؛ در جستجوی آزادی؛ بر لبۀ تیغ)
* نبرد هاماوران (در چهار جلد: خشم پادشاه، جادوی سیاه، وسوسه شیطان، دستان آتش)
* نامۀ باستان (دورۀ نه جلدی) شرح شاهنامه نوشتۀ میرجلال‌الدین کزازی
* رازهای شاهنامه و دفتر دوم فردوسی‌پژوهی به کوشش یاسر موحدفرد
* تصحیح شاهنامه فردوسی به کوشش جلال خالقی مطلق و با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی (دوره هشت جلدی)
* تصحیح نسخۀ فلورانس شاهنامه فردوسی به کوشش عزیزاله جوینی (تا کنون هفت جلد از آن به چاپ رسیده است.)
* ویرایش شاهنامه فردوسی به کوشش فریدون جنیدی (دوره شش جلدی)

# فیلم‌های ساخته‌شده بر پایۀ شاهنامه

در سال ۱۳۱۳ ه‍.خ عبدالحسین سپنتا فیلم فردوسی را ساخت که در جشن هزارۀ فردوسی به نمایش در آمد. در سال ۱۳۳۶ مهدی رئیس فیروز و شاهرخ رفیع فیلم رستم و سهراب را کارگردانی کردند. در سال ۱۳۳۷ منوچهر زمانی فیلم بیژن و منیژه را کارگردانی نمود. در سال ۱۳۸۴ محمد نوری‌زاد فیلم شاهزادۀ ایرانی (دربارۀ داستان رستم و اسفندیار) را ساخت. این فیلم نسخۀ سینمایی مجموعۀ چهل سرباز می‌باشد.

بوریس کیمیاگرف کارگردان مشهور تاجیکستان شوروی پیشین چهار فیلم بر پایۀ شاهنامۀ فردوسی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی ساخته است. این فیلمها عبارت‌اند از: "پرچم کاوۀ آهنگر" (۱۹۶۱)، "داستان رستم" (۱۹۷۱)، "رستم و سهراب" (۱۹۷۱) و "داستان سیاوش" (۱۹۷۶).

هم‌چنین ویشرام بدکار (Vishram Bedekar) کارگردان هندی در سال ۱۹۶۳ فیلم "رستم و سهراب" را از روی شاهنامۀ فردوسی ساخته است.

افزون بر این موارد بسیاری از کارگردانان تاتر نیز بسیاری از آثار مهم نمایشی معاصر را بر اساس داستانهای شاهنامۀ فردوسی به روی صحنه برده‌اند.